

تأثیرات جنبش سنوسیه در حجاز

(مطالعه موردی شیخ فالح الظاهری)

(۱۲۵۸/ق/۱۸۴۲م - ۱۳۲۸/ق/۱۹۱۰م)

منال بنت عواد المریطب*

ترجمه و توضیحات، رضا تقی‌زاده نائینی*

چکیده:

سنوسیه یکی از جنبش‌های تأثیرگذار اسلامی است که به ایجاد یک جامعه انسانی با مؤلفه‌های فرهنگی و اقتصادی با توجه به توانایی‌ها و امکانات در دسترس، اهتمام ورزید. این حرکت، جنبشی محلی نبود؛ بلکه موسس آن، محمد بن علی السنوسی، به گونه‌ای عمل کرد که جنبشی عربی و با نفوذ گسترده باشد. این پژوهش سعی دارد یک دوره مهم از تاریخ جنبش سنوسی در حجاز را بررسی، و تأثیرات مذهبی و فرهنگی آن را بر جامعه حجاز آشکار کند.

۱. این نوشته، برگردان مقاله «أثر الحركة السنوسية في منطقة الحجاز، از مجله جامعه الملك عبدالعزيز، الآداب والعلوم الانسانية» به فارسی است.

*. جامعه الملك عبدالعزيز، قسم التاريخ، جدة، السعودی / manal_mriteb@hotmail.com

*. دانشجوی دکترای تصوف و عرفان اسلامی، دانشگاه ادیان و مذاهب، قم، ایران.

rtaqizade81@gmail.com

منطقه حجاز، به دلیل اهمیت مذهبی، در تاریخ جنبش سنوسی از جایگاه برجسته‌ای برخوردار است؛ در واقع دعوت سنوسی از حجاز آغاز شد. اولین زاویه (خاتقاه) سنوسی در حجاز و در کوه ابی قبیس، و سپس تعداد زیادی از زاویه‌های سنوسی در حجاز و سایر بلاد اسلامی ایجاد شد که مورد استقبال عده کثیری از اهل حجاز واقع شد. شیخ فالح الظاهری یکی از برجسته‌ترین شاگردان زاویه سنوسی بود که بعداً یکی از شیوخ برجسته آن شد و شهرت وی در افق‌ها گسترش یافت. وی به مقام علمی برجسته‌ای دست یافت که شایسته تدریس در بسیاری از سرزمین‌های اسلامی شد؛ تا جایی که سلطان عبدالحمید از وی برای تدریس در استانبول دعوت کرد و عده‌ای از طلاب به دست او تربیت شدند و پرچم علم را در جهان اسلام برافراشتند.

واژگان کلیدی: سنوسیه، محمد بن علی سنوسی، صوفیه، فالح الظاهری، حجاز، لیبی.

مقدمه

جهان اسلام در طول قرن سیزدهم هجری (قرن نوزدهم میلادی) شاهد وخامت زیادی در جنبه‌های مختلف زندگی سیاسی، مذهبی و فرهنگی بود. دولت عثمانی - که بر مشرق عربی حاکمیت داشت - دچار ضعف سیاسی و اداری زیادی بود و متحمل شکست‌های پی در پی نظامی شده بود. امپراتوری عثمانی، مانند «انسان بیماری» شده بود و اروپایی‌ها آن را طعمه‌ای آسان دیدند که سرزمین‌های آن میان کشورهای اروپایی قابل تقسیم است. نتیجه این ضعف منجر به عقب ماندگی در جنبه‌های فرهنگی و اقتصادی شد و جهان اسلام در بند جهل و چرخه فقر قرار گرفت.

همان زمان، اروپا شروع به برداشت ثمرات انقلاب صنعتی و شکوفایی تمدنی و صنعتی پس از آن، کرد و به دنبال آن طمع کشورهای اروپایی به سرزمین‌های عربی افزایش یافت و دشمنی و تجاوز نسبت به موجودیت عثمانی شدت گرفت. فرانسه، مصر را در سال ۱۲۱۲ قمری / ۱۷۹۸ میلادی اشغال کرد و به دنبال آن، رقابت استعماری بین فرانسه و بریتانیا در مناطق تحت نفوذ، در جهان اسلام شدت گرفت. لشکرکشی فرانسه تأثیر بسزایی در آن دسته از اعراب داشت که شاهد ناتوانی

امپراتوری عثمانی در محافظت از سرزمین‌های خود بودند و اعتماد به توانایی سیاسی و نظامی عثمانی را از دست داده بودند.

این شرایط دشوار با ظهور عده‌ای از مصلحانی همراه شد که تلاش کردند مردم را به بازگشت به مبادی اسلام فرا بخوانند و خواستار اصلاح اوضاع رو به زوال اجتماعی و سیاسی شدند؛ و از جمله این مصلحان محمد بن علی السنوسی، بنیانگذار جنبش سنوسی، بود.

سنوسی بر این عقیده بود که هر دعوت اصلاحی ضد حاکمیت و اقتدار امپراتوری عثمانی، موجب ضعف امپراتوری عثمانی و طمع‌ورزی کشورهای خارجی نسبت به آن می‌شود. بنابراین وی از برخورد و تقابل با عمال حاکم خودداری کرد تا ثبات و تداوم جنبش سنوسی و موفقیت در دستیابی به اهداف آن را تضمین کند. سنوسی دعوت خود را در اقطار کشورهای اسلامی گسترش داد و حرکت خود را روی ساخت و سازماندهی زوایا متمرکز کرد؛ چرا که این رویکرد مزایای مذهبی، اجتماعی و فرهنگی زیادی در بر داشت.

حجاز، به دلیل مذهبی بودن آن دیار، از موقعیت برجسته‌ای در تاریخ جنبش سنوسی برخوردار است؛ در واقع دعوت سنوسی از حجاز آغاز شد. اولین زاویه^۱ سنوسی در حجاز و در کوه ابوقبیس^۲ ایجاد شد و سپس دیگر زاویه‌های سنوسی در دیگر نقاط حجاز و برخی کشورهای اسلامی؛ مانند لیبی، الجزایر، مصر، سودان و... برپا گردید.

۱. زاویه، مکانی برای اجتماع صوفیان جهت برپایی شعائر اسلامی - مانند نماز، روزه، تلاوت قرآن - و انجام مناسک صوفیانه - مانند مجالس ذکر، تهجد، تفکر، استغفار، کسب معرفت، انقطاع از خلق به سوی حق، شهود و وصل الی الله و فنای در حبّ خدا و رسول - است. همچنین با اسامی رباط، خانقاه، تکیه نیز نامیده شده است (عجم، ۱۹۹۹م، ص ۴۳۵).
۲. کوه ابوقبیس در شمال شرقی مسجدالحرام و مشرف بر آن است و شعب ابی‌طالب از آنجا آغاز می‌شود. به گفته ناصر خسرو کوه، گنبدی شکل بوده است، ولی امروزه آن را تراشیده‌اند. (ناصری، ۱۳۹۲، ج ۱، ص ۵۱۰)

جنبش سنوسی در تاریخ منطقه حجاز نقش داشته است. بنابراین، از آنجا که محققان به این موضوع توجه نکرده‌اند، بر آن شدیم تا مطالعه تاریخ جنبش سنوسی در حجاز را مورد توجه قرار دهیم. گفتنی است، در برخی از نوشته‌های اخیر، جنبش سنوسی تحریف گردیده، تا از اهمیت و نقش تاریخی آن کاسته و اهداف سیاسی اش کمرنگ شود.

در این تحقیق به این سؤالات پاسخ داده خواهد شد:

- چگونه جنبش سنوسی در حجاز پدید آمد؟

- ویژگی‌های کلی زوایای سنوسی حجاز چیست؟

- مشهورترین میدان سنوسی در حجاز چه کسانی بودند؟

این مقاله در یک مقدمه و چهار بخش و یک نتیجه سامان یافته است.

اول: ظهور جنبش سنوسی

جنبش سنوسی به محمد بن علی ابو عبدالله بن العربی بن محمد بن عبدالقادر بن شهیده الخطابی الحسینی الادریسی السنوسی منتسب است^۱ و سنوس، یکی از قبایل تلمسان^۲ الجزایر است. سنوسی، ۱۲ ربیع الاول ۱۲۰۲ قمری / ۲۲ دسامبر ۱۷۸۷ میلادی در شهر مستغانم الجزایر، در خانواده‌ای که به علم و دین مشهور بود، به دنیا آمد^۳ و در یک محیط علمی بزرگ شد که

۱. خاندان سنوسی از دودمان ادریس اول، بنیانگذار سلسله ادریسیان، هستند. ادریسیان یا آل ادریس، سلسله‌ای شیعی مذهب منسوب به ادریس بن عبدالله، نواده حسن بن علی علیه السلام، هستند که از سال ۱۷۲ تا ۳۷۵ قمری / ۷۸۹ تا ۹۸۵ میلادی در مغرب اقصی (مراکش و بخشی از الجزایر) حکومت داشتند. (سجادی، ۱۳۶۹، ج ۱، ص ۵۶۱)

۲. نام شهر و استانی در شمال غربی الجزایر است که به لحاظ علمی و فرهنگی موقعیتی درخشان داشت و همواره پایگاه محدثان و فقهای مالکی بود. (جمشید نژاد اول، ۱۳۸۷، ج ۱۶، صص ۱۲۳-۱۲۲)

۳. پدرش، علی السنوسی، به دانش، درستکاری و شجاعت شناخته می‌شود. او در جوانی و در سن ۲۵ سالگی درگذشت؛ درحالی که فرزندش، محمد، در آن زمان حدود دو سال داشت. پس از مرگ پدر، عمه‌اش، فاطمه که از زنان فاضله و دانشمند زمان خود بود، عهده‌دار سرپرستی وی شد و به تعلیم و تربیت وی همت گمارد. ایشان در سال ۱۲۱۲ قمری / ۱۷۹۷ میلادی، زمانی که محمد ده ساله بود، از دنیا رفت. پس از آن پسر عمویش، شریف محمد السنوسی، که مردی صاحب علم و فضل بود، سرپرست وی شد و فقه، حدیث و قرآن شریف و همچنین زبان عربی را به او آموخت. (سنوسی (الف)، ۱۹۶۸، ص ۷)

او را به کسب علم و دانش تشویق می کرد و این بیشترین تأثیر را در دل بستگی سنوسی به علم داشت. همچنین وی از لحاظ هوش و ذکاوت، متماز بود. (سنوسی ب)، ۱۹۶۸م)

سنوسی از سوء مدیریت عثمانی در کشورش متأثر بود. همین امر موجب اعتراضات زیاد مردم علیه آنها شد. همچنین مداخله و رقابت دول اروپایی در کشورش و ناتوانی عثمانی ها در محافظت از دولت اسلامی را شاهد بود.

علاوه بر این، او تحت تأثیر تعدادی از علمای کشورش بود که از اوضاع و فساد حاکمان در کشورش ناراضی بودند. از مهم ترین استادان او - که خواستار اصلاح عملکرد حاکمان ترک بود - ابو عبدالله سیدی محمد بن القوندوز بود که در سال ۱۲۴۵ قمری / ۱۸۲۹ میلادی توسط حاکم ترک، حسن بک (دجانی، ۱۹۶۷م، صص ۴۲ - ۳۶)، او را هنگامی که تهدیدی برای حکومت خود یافت، کشت. مجموعه عوامل و شرایط مورد اشاره، منجر به شکل گیری اندیشه اصلاحی سنوسی بدون ایجاد تقابل با حکومت عثمانی شد.

سنوسی تا بیست سالگی در زادگاه خود به تحصیل دانش ادامه داد و سپس تصمیم گرفت برای تحصیل به خارج از مستغانم سفر کند و شهر فاس را انتخاب کرد. فاس در آن زمان مرکز علما و دانشمندان و محل حضور طلاب و دانشجویانی بود که از کشورهای مختلف اسلامی سرگرم تحصیل در دانشگاه مشهور آن، با عنوان «جامعه القرویین»^۱ بودند.

سنوسی از سال ۱۲۳۷ تا ۱۲۴۴ قمری / ۱۸۲۲ تا ۱۸۲۹ میلادی، به مدت هفت سال در فاس اقامت گزید و نزد علمای آنجا تحصیل کرد. طی اقامت وی در فاس، اندیشه های اصلاحی در شخصیتش ظاهر شد، ایده های او در دعوت تعریف شد و ویژگی های آن مشخص شد.

سنوسی به مطالعه دروس فقهی و به طور خاص فقه مالکی - که در مغرب رایج است - علاقه داشت. علی رغم اینکه سنوسی مالکی مذهب بود، ولی در بعضی مسائل، نظرش بر خلاف نظر مالکیه بود. این مسئله در کتابش با عنوان *شفاء الصدر باری المسائل العشر آشکارا دیده می شود* (سنوسی ج)، ۱۹۶۸م، ص ۲۶)

۱. این دانشگاه یکی از قدیمی ترین و مشهورترین دانشگاه های جهان است که در قرن سوم هجری (۲۴۵ق/۸۵۹م) در دوران ادیسیان تأسیس شد.

همچنین سنوسی با طریقه‌های صوفیانه زیادی در فاس آشنا شد؛ زیرا فاس در آن زمان مرکز بسیاری از طریقه‌های صوفیه قلمداد می‌شد؛ چرا که بای سلیمان به برخی از فرقه‌ها اجازه اقامت در فاس داد و امنیت آنها برای زندگی را فراهم کرد و آنها در بیان عقاید خود، آزادی مطلق به دست آوردند. سنوسی نیز در فاس طریقت خاص خود را پایه‌گذاری کرد که به نام او شناخته می‌شد. وی در توصیف آن کتابی با عنوان *السلسیل المعین فی الطرائق الاربعین*، تألیف کرد (ناصری، ۱۹۵۶م، ج ۸، ص ۱۰۵)

سنوسی در فاس اقداماتی با هدف اصلاح شرایط بد کشور و اصلاح انحراف حاکمان آغاز کرد. وی در فاس از جایگاه علمی ممتازی بهره‌مند شد و شهرت برجسته‌ای کسب کرد و پس از کسب اجازه از اساتید، به تدریس روی آورد و به عنوان مدرس در جامع کبیر شهر فاس منصوب شد و طلاب از مناطق مختلف به سمت وی روی آوردند. (شکری، ۲۰۰۵م، صص ۳۱-۳۲)

سنوسی پس از اقامت هفت ساله در فاس، تصمیم گرفت آنجا را ترک کند. در تعیین تاریخ عزیمت وی از فاس اختلاف نظر وجود دارد. نظر صحیح درباره تاریخ عزیمت وی، سال ۱۲۳۵ قمری / ۱۸۲۰ میلادی است؛ زیرا با تاریخ بقیه سفرهایش همخوانی بیشتری دارد. (سنوسی (الف)، ۱۹۶۸م، ص ۸)

سنوسی هنگام خروج از فاس، توصیه اساتیدش برای سفر به حجاز را به یاد آورد تا بتواند دانش علمای مشرق و مغرب را فراگیرد و همزمان با اوضاع ملل شرق و مسلمانان آنجا آشنا شود. ملک محمد ادریسی در این باره می‌گوید:

هنگامی که او سرشار از دانش و فضل شد، برخی از بزرگان شیوخ به او امر کردند تا با سفر به مشرق، موفقیتش را با حضور در سرزمین وحی و بهره‌گیری از انوار سیدالقلین کامل کند. (دجانی، ۱۹۶۷م، ص ۵۶)

از دلایل عزیمت وی از فاس این است که وقتی امام سنوسی در فاس اقامت گزید و به تدریس مشغول شد، مردم جذب وی شدند و قلوب ایشان تحت تأثیر اندیشه و دعوت او قرار گرفت. همین امر، مقامات را بر آن داشت تا از ترس اینکه مبدا نفوذ وی فراتر از جنبه‌های

مذهبی برود و حتی جنبه‌های سیاسی را نیز در بر گیرد، وی را تحت فشار قرار دهند. همچنین در مورد او شایع شده بود که تمایل به قدرت دارد و همین باعث شد که توجه حاکم فاس را برانگیزد؛ از این رو سنوسی دریافت که اقامت وی در آنجا با خطرات زیادی همراه است و به اهداف اصلاحی و دعوت خود دست نخواهد یافت. بنابراین تصمیم گرفت که آنجا را ترک کند. (صلابی، ۱۹۹۹م، صص ۳۵-۳۴)

از دیگر دلایل سفر وی می‌توان به آشفتگی شرایط در فاس و وقوع انقلابات در آنجا در طول اقامت سنوسی اشاره کرد؛ آن‌چنان‌که زندگی علمی و فرهنگی را آشفته کرده بود. سال ۱۲۳۴ قمری / ۱۸۲۰ میلادی مردم فاس علیه حاکم خود قیام کردند. همچنین سال ۱۲۳۵ قمری / ۱۸۲۰ میلادی هرج و مرج درگیری آغاز شد تا اینکه آشوب در سراسر فاس حاکم شد. شورش دیگری به دلیل اختلاف بین قاضی و مفتی رخ داد که آنها مسئله خود را نزد سلطان مطرح کردند. وی، مفتی را از فتوا عزل کرد. این امر به خروج گروهی از طلاب علیه سلطان سلیمان قانونی منجر شد. (ناصری، ۱۹۵۶م، ج ۸، ص ۱۴۳)

سرانجام سنوسی از سیره علمای پیشین پیروی کرد؛ زیرا سفر، یکی از ویژگی‌های برجسته در زندگی اصلاح‌طلبان مسلمان بود؛ همان‌طور که جمال‌الدین افغانی، شیخ محمد بن عبد الوهاب و... چنین کردند و شکی نیست که این سفرها دانش و تجربیات بسیاری به آنها آموخته و روش اصلاحی آنها را بهبود بخشیده است.

دوم: سفرهای سنوسی به حجاز

سنوسی به مشرق و به سمت حجاز حرکت کرد و در مسیر خود، از تونس و طرابلس عبور کرد و در ادامه وارد مصر شد و در دوره حکومت محمدعلی پاشا (۱۲۳۹ق/۱۸۲۴م) به قاهره رسید. وی در آنجا با علمای الازهر - مانند شیخ الصاوی، القویسی و... - ملاقات کرد و از فضای علمی الازهر بهره‌مند شد؛ جایی که طلاب و دانشجویان زیادی را از اطراف و اکناف جهان اسلام در خود گرد آورده است. وی در آنجا به آموختن مشغول شد و پس از آنکه از علوم آنجا به قدر کافی بهره‌مند شد، به تدریس پرداخت. طرح ایده‌های اصلاح‌طلبانه و جسارت او در شیوه پرداختن به مسائل

فقهی، موجب شد دانشجویان و طلاب زیادی در اطراف او جمع شوند و پیروان و مریدانش زیاد شدند. (دجانی، ۱۹۶۷م، ص ۶۱)

با این حال، سنوسی پس از مدتی با علمای الازهر در برخی از مسائل دچار اختلاف نظر، و با آنها درگیر شد؛ از این رو تصمیم به ترک مصر گرفت. همچنین سیاست استبدادی محمدعلی پاشا و اقتدارگرایی او - که علمای الازهر را نیز در بر گرفته بود - میل او برای ترک قاهره را افزایش داد. افزون بر آن، سنوسی قصد نداشت برای مدت طولانی در قاهره بماند؛ زیرا مقصد او حجاز بود. بنابراین قاهره را - پس از یک سال اقامت در آنجا - ترک کرد و برای کسب دانش بیشتر و انجام فریضه حج به حجاز رفت. او همچنین اشتیاق دیدار شیخ احمد بن ادریس،^۱ از علمای آن عصر، را داشت. سنوسی سال ۱۲۴۰ قمری / ۱۸۲۵ میلادی به مکه رسید. مکه در آن زمان تحت سلطه محمدعلی پاشا بود. پسر وی، ابراهیم پاشا، سال ۱۲۳۳ قمری / ۱۸۱۸ میلادی دولت اول سعودی را شکست داد و از حجاز اخراج کرد. وی شریف یحیی بن سرور^۲ را والی حجاز کرد و سپس او را عزل، و شریف محمد بن عون را منصوب کرد.^۳

۱. ابوالعباس احمدبن ادریس، از نوادگان امام ادریس بن عبدالله الحسینی، بنیانگذار دولت ادرسیان مراکش، در شهر عرائش در ساحل اقیانوس اطلس ۱۱۷۲ ق - ۱۷۵۸ م به دنیا آمد. او در فاس تحصیل کرد و به تصوف گرایش پیدا کرد و از بزرگان زمان کسب علم کرد. سپس در سال ۱۲۱۴ هجری قمری - ۱۷۹۹ م به مکه رفته و در آنجا اقامت گزید، و مورد توجه قرار گرفت سپس مکه را ترک گفته و در منطقه صیبا سکونت گزید. از سید احمدبن ادریس مجموعه از اوراد و ادعیه به جا مانده است مانند «روح السنه و روح النفوس المطمئنه» و «السلوک» و... (بستانی، ۱۹۶۹م، ج. ۸، ص ۱۶۷) با اینکه طریقه اصلی او «شاذلیه» بود، خود طریقه‌ای را پایه گذاری کرد که به «احمدیه» یا «ادریسیه» شهرت یافت. برخی از صوفیان بنام مغرب و یمن در سده ۱۳ق / ۱۹م از آرای او بسیار تاثیر پذیرفتند. (یوسفی اشکوری، ۱۳۷۰)
۲. محمدعلی پاشا وی را به جای عموی خود، غالب بن مساعد، در سال ۱۲۲۹ قمری / ۱۸۱۴ میلادی به عنوان امیر مکه منصوب کرد؛ اما وی با تعدادی از اشراف - که در رأس آنها شریف شنبر بن مبارک بود - اختلاف پیدا کرد و شنبر بن مبارک را کشت؛ از این رو وی از امارت مکه در سال ۱۲۴۲ قمری / ۱۸۲۷ میلادی عزل شد. (جارشلی، ۲۰۰۳م، ص ۱۶۰-۱۵۸)
۳. پس از برکناری شریف یحیی بن سرور، شریف عبدالمطلب بن غالب امور را به دست گرفت؛ اما مقامات عثمانی، حکم امارت را بدون نام وی برای فرماندار مصر، محمدعلی پاشا، فرستادند و انتخاب را به وی

سنوسی وقتی به مکه رسید، به تحصیل علوم و کسب معارف مذاهب مختلف اسلامی مشغول شد؛ زیرا آن موقع تعدادی از علمای مسلمان از شرق و غرب جهان اسلام در مکه حضور داشتند که نماینده این مذاهب مختلف بودند و هدف سنوسی آشنایی با این مذاهب و فهم اصول آنها بود تا از این طریق بتواند پیروانشان را به پذیرفتن اندیشه و دعوت خود متقاعد کند. (اللجنة العليا، ۱۹۵۶م، ص ۱۳)

سنوسی در مکه با شیخ و مراد خود ابوالعباس احمد بن ادریس ملاقات کرد و در آنجا ملازم وی شد و رابطه محکمی با او برقرار ساخت. او حدیث و سنت را از استاد خود فراگرفت و با بعضی از طرق صوفیانه آشنا شد و در تفسیر برخی احکام شرعی به اجتهاد پرداخت. سپس با کسب اجازه از استادش مشغول تدریس شد. پس از مدتی استاد او، ادریسی، مجبور به ترک حجاز شد؛ زیرا از طرفی تحت فشار مقامات حاکم بود و از طرفی برخی از علمای حجاز با نظراتش مخالف بودند. بنابراین ادریسی به شهر صیبا^۱ رفت. سنوسی نیز به دنبال او رفت و تا زمان مرگ استادش در سال ۱۸۳۵ میلادی (شریف، ۱۹۹۹م، ص ۲۷۹) در آنجا ماند و سپس به مکه بازگشت. وی پیش از مرگ استادش اولین زاویه را به سال ۱۲۴۲ قمری / ۱۸۲۷ میلادی در کوه ابوقیسیس برای نشر دعوت خود تأسیس کرده بود. اشاره شده است که شریف مکه، محمد بن عون، از ساختن آن ممانعت کرد؛ زیرا ارتفاع آن یک طبقه بالاتر از کعبه بود. اما سنوسی موفق به متقاعد کردن شریف شد. بنابراین شریف با درخواست او موافقت کرد و به او پیشنهاد کمک داد؛ اما سنوسی تنها به اجازه او اکتفا کرد و زاویه خود را - که شامل یک مسجد، مدرسه و خوابگاه برای طلاب بود - بنا ساخت. وی در همین زاویه اقامت داشت و مشغول تدریس و نشر افکار و ایده‌های خود شد که در نتیجه، طلاب و مریدان وی فزونی یافتند. (صباغ، ۲۰۱۱م، ص ۱۶)

واگذار کردند. والی مصر متوجه شد که شریف محمد بن عون - که در آن زمان، مقیم مصر بود - شایسته‌تر است. بنابراین او را با حکمی به مکه فرستاد. این اقدام، شریف عبدالمطلب را خشمگین کرد و در نبردی که در آن مغلوب شد، با حریفش درگیر شد. شریف محمد بن عون به مدت ۲۵ سال امیر مکه ماند. (جارشلی، ۲۰۰۳م، صص ۱۶۷-۱۶۴)

۱. صیبا، شهری در منطقه جازان عربستان است.

پس از تأسیس زاویه ابوقییس، سنوسی قادر به اقامت در حجاز برای مدت طولانی نبود؛ زیرا چندین عامل^۱ در کنار هم، وی را وادار به ترک مکه در سال ۱۲۵۵ قمری / ۱۸۳۹ میلادی، و بازگشت به برقه (سیرنائیکا) کرد. از جمله این عوامل می توان به مرگ استادش، ادیسی، اشاره کرد که به دلیل دل بستگی سنوسی به وی از مسئله متأثر شده بود. همچنین نظرات اجتهادی سنوسی و جمع شدن مریدانش در اطراف وی، خشم علمای مکه را به دلیل مخالفت با نظرات آنها برانگیخت. افزون بر این، مریدان مغربی سنوسی او را به ترک و بازگشت به لیبی تشویق کردند تا از دانش و فقاہت وی بهره مند شوند. این موارد با تمایل و اشتیاق سنوسی برای بازگشت به وطن و زادگاهش همراه بود. (ارسلان، ۱۹۷۳م، ج ۲، ص ۳۹۹)

سنوسی تا رسیدن به سیرنائیکا از مناطق مختلفی عبور کرد و مریدانش سال ۱۲۵۹ قمری / ۱۸۴۳ میلادی در جبل الاخضر، زاویه البیضا را تأسیس کردند که دومین زاویه سنوسی پس از زاویه ابوقییس است. زاویه البیضا از مهم ترین و تأثیرگذارترین زاویه های سنوسی است؛ زیرا موقعیت استراتژیک آن، دفاع و محافظت از آن را تضمین می کند و مانع حمله به آن می شود. همچنین تأسیس آن، آغاز جنبش سازمان یافته سنوسی محسوب می گردد. (شریف، ۱۹۹۹م، ص ۲۷۹)

سنوسی، سیرنائیکا (برقه) را به عنوان مرکز جنبش خود در مغرب عربی انتخاب کرد^۲ و در آنجا با مریدان خود در زاویه البیضا اقامت گزید. وی در آنجا با دختر شیخ

۱. برخی منابع اشاره می کنند که سنوسی در مکه با بعضی از پیروان وهابیت ملاقات کرد و از خلوص این دعوت و اینکه از نقص و خرافات شرعی مبرا، و پیرو سلف صالح هستند، تحت تأثیر قرار گرفت. این امر، مقامات عثمانی در حجاز را علیه او برانگیخت، اولین دولت سعودی، سال ۱۲۳۳ قمری / ۱۸۱۸ میلادی سقوط کرده بود؛ اما اندیشه های اصلاح طلبانه سلفی در منطقه باقی مانده بود و تعدادی همچنان به آن وفادار ماندند و بدین ترتیب بعداً دولت دوم سعودی تأسیس شد.
۲. دلیل این امر آن است که سیرنائیکا، از نظر سیاسی، اجتماعی و استراتژیک از شرایط مناسبی برای موفقیت جنبش برخوردار بود:

- از نظر سیاسی، تأثیر و نفوذ عثمانی در آن محدود بود. اهتمام عثمانی برای محافظت از نفوذ خود در سواحل لیبی و عدم توجه به مناطق داخلی، به سنوسی آزادی کافی می داد تا با هیچ گونه ممانعت سیاسی از سوی مقامات عثمانی روبه رو شود.

احمد بن فرج الله الفیتوری ازدواج کرد و از او صاحب دو پسر (امام محمد المهدی و محمد الشریف) شد. (شکری، ۲۰۰۵م، ص ۶۱)

امام سنوسی چندین سال در سیرنائیکا اقامت گزید و پس از آنکه از استقرار و ثبات جنبش خود اطمینان حاصل کرد، در سال ۱۲۶۲ قمری / ۱۸۴۶ میلادی قصد عزیمت و بازگشت به حجاز کرد. هیچ تردیدی نیست که اجتماع مسلمانان در مکه برای انجام مناسک حج، به سنوسی اجازه می داد با تعداد بیشتری از مسلمانان ارتباط گیرد و دعوت خود را به آنها عرضه کند.

دومین حضور سنوسی در حجاز با دعوت پرشور او همراه شد. او در حجاز به تأسیس زاویه های سنوسی پرداخت و طلاب و مریدان زیادی در آنها حضور یافتند. زاویه های سنوسی مورد استقبال بعضی از قبایل حجازی، از جمله قبیله حرب، قرار گرفت و برخی از شاخه های آن قبیله - که بین مکه و مدینه حضور داشتند - به زاویه سنوسی پیوستند.

سنوسی ها نیز به نوبه خود به دنبال جذب مردم این قبیله به جهت موقعیت و نفوذ آنها در آن مناطق بودند. کاروان حج سنوسی با عنوان «رکب الاخوان»، هر ساله در محدوده قبیله حرب، بین مکه و مدینه، به صورت مسالمت آمیز تردد می کرد و از حمایت آنها نیز برخوردار بود. عده ای از قبیله بنی حارث نیز به این زاویه ها پیوستند.

علاوه بر زاویه ابی قیس در مکه، سنوسی ها زاویه های دیگری را در بقیه مناطق حجاز تأسیس کردند. دومین زاویه حجاز - که پس از زاویه ابی قیس تأسیس شد - زاویه طائف بود که امام سنوسی آن را بین سال های ۱۲۵۴ تا ۱۲۵۵ و در طول مدت اقامت تابستانی خود در آنجا، در دامنه کوه «ابن مندیل»^۱ تأسیس کرد. بسیاری از مردم طائف به آنجا آمدند

مزیت استراتژیک آن، موقعیت آن در مناطق داخلی است که به سنوسی امکان محافظت و دفاع می داد. همچنین موقعیت مرکزی آن در داخل کشور، آن را به یک محل عبور مهم تبدیل کرده بود و در عین حال، شامل منطقه بیابانی وسیعی می شد که به سنوسی اجازه می داد تا جنبش خود را بدون هیچ مانعی به سمت جنوب گسترش دهد.

- تأثیر محیط اجتماعی نیز در سیرنائیکا و نقش آن در حمایت از جنبش سنوسی و همچنین عناصر بادیه نشین ساکن در سیرنائیکا و ماهیت ساده آنها و فراوانی جهل بین آنها، باعث می شد آنها به راحتی پذیرای جنبش باشند و هدایت آنها راحت تر باشد. (دجانی، ۱۹۶۷م، صص ۸۷-۸۶)

۱. امروزه با عنوان مسجد السنوسی و مسجد الریح شناخته می شود و اخیراً تجدید بنا شده است.

و از علوم و معارف آن بهره‌مند شدند. از مهم‌ترین شاگردان سنوسی در آن زاویه، شیخ محمد البکری و برادرش احمد بن صدیق البکری و شیخ حامد بن محمد غانم خیره بودند. همچنین وی سال ۱۲۶۶ قمری / ۱۸۵۰ میلادی زاویه‌های دیگری در مدینه در مناطق الکتایبه، جده،^۱ ینبع البحر و ینبع النخل^۲ بنیاد نهاد. زاویه‌های سنوسی در بقیه مناطق حجاز نیز ایجاد شدند که از شور و نشاط زیادی بهره‌مند بودند؛ مانند: زاویه ضبا^۳ و زاویه بدر به سرپرستی محمد الغماری، زاویه الصفراء،^۴ زاویه الحمرا، زاویه رابع،^۵ زاویه العیص^۶ و زاویه صبح.^۷ (ارسلان، ۱۹۷۳م، ج ۲، ص ۱۴۱ و ۴۰۷)

آنچه باعث رونق جنبش سنوسی و زوایای مختلف آن در حجاز شد، حضور شریف عبدالمطلب بن غالب در مسند امارت مکه بود. این امر به علت رابطه خوب شریف با امام محمد سنوسی بود. وی پیش از انتساب به امارت مکه، در بعضی از مجالس علمی سنوسیه شرکت می‌کرد و هنگامی که امارت را به دست گرفت مساعدت‌های آشکاری به آنها کرد؛ چنان که یک قطعه زمین بزرگ در مجاورت زاویه ابوقیس به آنها اختصاص داد و زمین‌هایی را نیز در مناطق مدینه، جده و طائف وقف زاویه‌های سنوسی کرد. همچنین وی به دنبال دریافت معافیت‌های مالیاتی برای زاویه‌های سنوسی از جانب سلطان عثمانی، عبدالمجید بن محمود، بود و موفق به دریافت فرمانی از طرف سلطان عثمانی شد. (عبدالعزیز، ۲۰۰۷م، قسم اول، جزء ۱۲)

۱. زاویه و مسجد سنوسی در جده، در حارة الیمین، نزدیک بیمارستان عمومی بودند که در طرح توسعه شهری این منطقه به همراه چندین خانه از بین رفتند.
۲. شهر «ینبع» از شهرهای ساحلی کرانه دریای سرخ، و یکی از بنادر مهم عربستان سعودی در ساحل دریای سرخ پس از بندر جده است. به دلیل وجود چشمه‌های بسیاری در آن، ینبع نامیده می‌شود. گفته شده است که ۱۷۰ چشمه در آن وجود داشته است. بخشی که در خط ساحلی دریای سرخ واقع شده، «ینبع البحر» نام دارد که بندر نیز در آنجا قرار گرفته است و بخشی که در قسمت داخلی و در شرق آن واقع شده، به دلیل فراوانی درختان خرما و مزارع و چشمه‌های زیاد، «ینبع النخل» نامیده شده است.
۳. ضبا: شهری در استان تبوک
۴. الصفراء: روستایی است که امروزه به نام الواسطه شناخته می‌شود.
۵. رابع: شهری در استان مکه.
۶. العیص: منطقه‌ای بین مدینه منوره و دریای سرخ.
۷. صبح: شهری در استان مکه.

فعالیت امام سنوسی در حجاز، تنها محدود به ایجاد زوایا و آموزش نبود؛ بلکه کتاب‌هایی در موضوع فقه تألیف کرد؛ از جمله: *بغیة القاصد و خلاصة الراصد* معروف به *المسائل العشر، السلسیل المعین و الدرر السنیه فی اخبار السلالة الادریسیه*. همچنین وی هر سال در طول اقامت خود در حجاز، در مراسم حج شرکت می‌کرد تا بدین وسیله با زائرانی که از مناطق مختلف جهان اسلام می‌آمدند، دیدار، و افکار و اندیشه‌های خود را به آنها عرضه کند. (دجانی، ۱۹۶۷م، ص ۸۶-۸۷)

سنوسی هشت سال در حجاز ماند و سپس سال ۱۲۷۰ قمری / ۱۸۵۴ میلادی به سیرنائیکا بازگشت. وی علت عزیمت خود را رابطه بد شریف مکه، عبدالمطلب بن غالب، با امپراتوری عثمانی و عدم تسلیم وی در برابر دستورات مقامات عثمانی و تلاش او برای استقلال از آن عنوان کرد. در عین حال سنوسی روابط خوبی با شریف داشت. بنابراین سنوسی به این نتیجه رسید که مناسب‌تر است - به دلیل رابطه خوبی که با شریف داشت - حجاز را ترک کند تا بین او و مقامات عثمانی درگیری پیش نیاید. او به دنبال جلوگیری از هرگونه برخورد با نیروهای سیاسی بود؛ زیرا می‌دانست که این امر باعث ایجاد مشکلات زیادی برای وی و دعوتش خواهد شد. همچنین دوری او از لیبی طولانی‌مدت، و دلتنگ مردم خود شده بود. گروه‌های متعددی نیز از لیبی به حجاز رفتند تا سنوسی را متقاعد کنند که با آنها برگردد. در این شرایط بود که سنوسی پس از اینکه محمد بن ابراهیم الغماری را به نائب خود قرار داد، حجاز را ترک کرد. (دحلان، ۱۳۰۵ق، ص ۳۱۸-۳۱۷)

سنوسی در زاویه جغوب اقامت گزید که به اولین مقر سنوسی در لیبی تبدیل شد. پس از مدتی، نشانه‌های بیماری در وی ظاهر شد تا اینکه در ماه صفر سال ۱۲۷۶ قمری / ۱۸۵۹ میلادی درگذشت. (شریف، ۱۹۹۹م، ص ۲۸۵)

سوم: اهمیت و نقش زوایای حجازی سنوسیه

زوایه‌های سنوسی، ابزاری عملی برای دعوت سنوسی محسوب می‌شدند. شایان ذکر است که ساختاری با عنوان زاویه توسط جنبش سنوسی ایجاد نشده؛ بلکه از قبل وجود داشته است و طریقت‌های صوفیه از آن استفاده می‌کردند. زاویه صوفیه، مکانی

است که مریدان صوفیه در آن عزلت‌گزینی می‌کنند و با عبادت شبانه‌روزی به خدا تقرب می‌جویند، از مردم دوری می‌کنند و برای امرار معاش به خدا توکل می‌کنند. زوایای سنوسی، از نظر سازمان و کارکرد، تفاوت‌هایی با دیگر زوایا داشته‌اند. (صلابی، ۱۹۹۹م، ص ۱۲۱-۱۲۳)

زاویه‌های سنوسی، همان‌طور که ریچارد ایوانز در کتاب *سنوسیو برقه* توصیف کرده، عبارت بوده است از: مدرسه، کاروانسرا، مرکز تجاری، مرکز اجتماعی، قلعه، دادگاه، صرافی، انبار کالا، پناهگاه فقرا، بیمارستان و آرامگاه مردگان. (ریچارد، ۱۹۴۸م، ص ۲۹-۳۰)

زاویه‌های سنوسی در حجاز مورد توجه پژوهشگران قرار نگرفته است؛ چنان‌که اطلاعات مکتوب شده در مورد آنها، ناچیز است و تصویر کاملی از نقش فرهنگی و اجتماعی زوایا در تاریخ حجاز در آن بازه زمانی ارائه نمی‌دهد. بنابراین تصمیم گرفتیم فعالیت و اهداف زاویه‌های سنوسی در مغرب را مورد بررسی قرار دهیم و با تجزیه و تحلیل اطلاعات موجود، آنها را با زوایای سنوسی در حجاز مقایسه کنیم.

۱. جایگاه زاویه‌های سنوسی

زاویه‌های سنوسی از لحاظ سیاسی، تجاری و استراتژیک در محدود کشورهای مغرب عربی برجسته شده است. از نظر سیاسی، متوجه می‌شویم که زاویه‌ها عمدتاً در مناطق داخلی گسترش یافته‌اند تا در نوار ساحلی، و این بدان جهت است که توجه و نفوذ عثمانی عمدتاً بر مناطق ساحلی تمرکز یافته است. علت استقرار این زاویه‌ها در مناطق داخلی، برای جلوگیری از هرگونه درگیری احتمالی بین مقامات عثمانی و سنوسی بوده است. موقعیت مکانی این زاویه‌ها با دقت انتخاب می‌شده است؛ معمولاً در مناطق مرتفع بنا می‌شده تا هنگام مواجهه با خطر خارجی، به ساکنان آنها این امکان را بدهد تا از آنها دفاع کنند. زاویه‌ها، پشت سر هم و در یک فاصله مشخص ساخته می‌شدند تا اگر به زاویه جلو حمله شود، ساکنان خود را به زاویه‌های عقب برسانند. این سازمان، آنها را به خطوط دفاعی متوالی تبدیل می‌کرد. (شریف، ۱۹۹۹م، ص ۲۸۵)

همچنین موقعیت استقرار آنها از اهمیت تجاری و استراتژیک نیز برخوردار بود؛ زیرا در مسیرهای معروف تجاری آن زمان قرار داشتند همین امر منجر به احیای رونق تجارت شده بود؛ به گونه‌ای که زوایا نیز از منافع اقتصادی بهره‌مند می‌شدند. همچنین زاویه نیز نقش مهمی در تشویق تجارت کاروان‌ها داشت که ستون فقرات اقتصادی آن دوره محسوب می‌شدند. این مطلب بدان معنا نیست که زاویه‌ها کار تجاری انجام می‌دادند؛ بلکه کاروانسرای برای بازرگانانی که از شمال آفریقا به جنوب می‌رفتند، و همچنین مکانی برای مراودات تجار بود.^۱

از تجزیه و تحلیل این اطلاعات و مقایسه آنها با زاویه‌های سنوسی حجاز، متوجه خواهید شد که از نظر موقعیت به دو قسم تقسیم می‌شده‌اند: دسته اول، زاویه‌هایی است که در مهم‌ترین شهرهای حجاز - مانند مکه مکرمه، مدینه، طائف و جدّه - تأسیس شده‌اند. سنوسی در ساخت زوایای خود در مغرب از ایجاد اصطکاک با نیروهای عثمانی اجتناب می‌کرد؛ ولی در حجاز، زاویه‌ها را در قلب شهرها می‌ساخت. دلیل این امر آن است که وی به‌طور کلی رابطه خوبی با اشراف حجاز داشت و از شریف مکه، محمد بن عون، اجازه ساخت زاویه‌های سنوسی را گرفته بود.

دسته دوم، زاویه‌هایی است که در مسیر حج و در امتداد نوار ساحلی ساخته شده‌اند؛ مانند: ضبا، الملقح، الوجه، رایغ، اللیث و ینبع؛ چرا که این شهرها توقفگاه‌های مهمی برای کاروان‌های حج محسوب می‌شده‌اند و فرصت ارتباط و انتشار عقاید سنوسی را در میان عده کثیری از مسلمانانی که به اماکن مقدسه می‌آمده‌اند، فراهم می‌کردند. شایان ذکر است که موقعیت زاویه‌ها، این فرصت را به سنوسی داده است تا ایده‌های خود را میان طوائف بزرگ حجازی گسترش دهد. این طوائف شامل دو دسته می‌شده‌اند:

دسته اول: ساکنان محلی حجاز، شامل مردم شهرها و بادیه‌نشین‌ها؛

۱. برای اطلاعات بیشتر درباره منازل کاروان‌های حج ر.ک: محمد صادق باشا، الرحلات الحجازیه، صص ۱۵۷-۱۵۵، ۳۵۳ و ۳۵۴.

دسته دوم: همسایگان و مهاجرانی که از کشورهای مختلف اسلامی جهت کسب دانش و مجاورت در حریم شریفین به منطقه حجاز می آمدند. علاوه بر اینها، حجاز سالانه پذیرای حجاج و عمره گزارانی است که برای انجام مناسک می آمدند و پس از مدتی به میهن خود بازمی گشتند. اگر زاویه های سنوسی آنها را جذب می کردند، آنها در وطن خود، مبلغانی برای سنوسیه می شدند. همان طور که مشخص است، منطقه حجاز به علت در بر گرفتن حریم شریفین مکه و مدینه و ورود کاروان های زائران حج به آن از فعالیت تجاری خوبی برخوردار است و درآمد خوبی را برای آن به همراه داشته است و پوشیده نیست که زاویه های سنوسی واقع در مسیر حج یا واقع در شهرهای مهم حجاز، از این مزایای اقتصادی بهره مند می شده اند.

۲. کارکردهای زاویه های سنوسیه

زویای سنوسی وظایف مختلف مذهبی، آموزشی، اجتماعی، اقتصادی و نظامی بر عهده داشته اند؛ اما ماهیت دینی آن حول اجرای عملی احکام و مبانی اسلام شکل گرفته است. همچنین در این زویا قرآن کریم و علوم دینی و معنوی را تدریس می کرده اند. این زویا، به دلیل حضور تعداد زیادی از علما و مفتی ها در آن، مراکزی برای صدور فتوا محسوب می شدند. همچنین مهمانسرا برای مسافران و مکانی برای حل اختلافات بین مردم بودند. (رفعت پاشا، ۱۹۲۵م، ج ۲، ص ۳۸۲)

از طرفی دیگر، زاویه ها وظایف تربیتی و اجتماعی نیز بر عهده داشته اند؛ به طوری که آنها را به مدارس و مراکز اجتماعی شبیه کرده است. علاوه بر آن، اطفال در زاویه ها قرائت قرآن و حساب می آموختند. کودکان به محض اینکه قوه تمیز پیدا می کردند، خانواده آنها را به زاویه های بزرگ تر - مانند زاویه الیضا و زاویه جعبوب - می فرستادند تا علوم دینی گوناگون - مانند تفسیر، حدیث، فقه و اصول، توحید، صرف و نحو، بلاغت و ادبیات - و همچنین حرفه و صنعتی - مانند آهنگری، نجاری و کشاورزی - را بیاموزند. سنوسی ها همچنین برای رفع اختلافات و قضاوت بین قبایل - که به ایجاد امنیت در زاویه و اطراف آن کمک می کرد - تلاش می کردند. (حیب، ۱۹۸۱م، ص ۶۷)

زاویه‌های حجاز نیز عهده‌دار چنین وظایفی بودند و هر زاویه، فعالیت واضح و روشنی داشت. بارزترین نمونه آن، زاویه ابوقیسی است که سنوسی در آن مسجد و مسکن برای زائران و مسافران، و یک مدرسه برای آموزش بنا کرد. سنوسی در این زاویه، در آغاز کار، متولی آموزش بود و تعداد زیادی از طلاب نزد وی گرد آمدند که بخشی از آنها مبتدی بودند و قرآن کریم، خواندن و حساب می‌آموختند و بخشی دیگر، به دنبال آموختن علوم دینی بودند.

فعالیت‌های زوایا در حجاز فقط در آموزش متمرکز نبوده؛ بلکه به آموزش حرفه و صنعت جهت تضمین درآمد اقتصادی و ثبات اجتماعی افراد توجه داشت. سنوسی پس از پایان تحصیل افراد، به آنها ضرورت یادگیری کار و حرفه برای امرار معاش و عدم بیکاری و بطالت را متذکر می‌شد؛ به گونه‌ای که زاویه ابوقیسی و دیگر زاویه‌های حجاز به مراکز دانش و صنعت تبدیل شده بودند.

در موسم حج تعداد مراجعات زوایا بیشتر می‌شد؛ زیرا این زوایا مکان‌هایی برای پذیرایی از مسافران و حجاج نیز بود؛ برای مثال، مأموریت اصلی زاویه جده، پذیرایی از افرادی بود که وارد حجاز می‌شدند (از سنوسی‌ها و غیره). این زاویه به طور رایگان برای آنها مسکن و غذا فراهم می‌کرد. (ارسلان، ۱۹۷۳م، ج ۲، ص ۱۴۱)

قابل توجه است که زاویه‌های سنوسی در مغرب به مریدان خود - به منظور آماده بودن در برابر دشمن خارجی - مهارت‌های رزمی، سوارکاری و ساخت سلاح و مهمات نیز آموزش می‌دادند. این زوایا موفق شدند با تهدید رو به رشد فرانسه نسبت به لیبی مقابله کنند و پیروز شوند. در برابر اشغال سرزمین‌های لیبی توسط ایتالیا نیز مقاومت زیادی کردند؛ از این رو استواری سنوسی‌ها در بیش از بیست سال مبارزه (پریچارد، ۱۹۴۸م، صص ۳۱-۳۲) علیه اشغال، دلیلی بر موفقیت نظامی آنهاست.

اطلاعاتی در مورد فعالیت نظامی در زاویه‌های حجاز به دست نیامد و این ممکن است به دلیل ثبات شرایط سیاسی در حجاز و فقدان جاه‌طلبی‌های خارجی نسبت به آن باشد. بنابراین آموزش مهارت‌های نظامی به مردم منطقه توسط سنوسی‌ها ضرورتی نداشت.

۳. سازمان اداری زاویه‌های سنوسی حجاز

سازمان اداری در زوایای سنوسی با ساختار سلسله‌مراتبی و یک سازمان دقیق مشخص می‌شود. رهبری به عهده شیخ زاویه است که «مقدم» نامیده می‌شود و متولی امور جماعت مستقر در زاویه است. وی اختلافات و خصومت‌ها را فیصله می‌دهد و نماز جمعه را اقامه می‌کند. برای او و کیلی است که مسئول امور داخلی و خارجی زاویه است؛ مانند: نظارت بر امور اقتصادی، جمع‌آوری زکات، امامت جماعت مسجد، ازدواج و نکاح و مسئولیت امور آموزشی. (ستودارد، ۱۹۷۲م، ج ۱، صص ۲۹۸-۲۹۷).

شیخ عبدالله التواتی، پس از سنوسی، اولین نفری بود که تولیت زاویه ابوقیس را بر عهده داشت. همچنین مصطفی الغماری، حامد غانم المکاوی، علی حامد، الشارف حامد و الصادق السنوسی حامد (ارسلان، ۱۹۷۳م، ج ۲، ص ۱۴۱) نیز عهده‌دار این مسئولیت بوده‌اند. زاویه مدینه منوره، سال ۱۲۶۶ قمری / ۱۸۵۰ میلادی تأسیس شد و اولین شیخ آن، علامه محمد الشفیع بود و علامه مصطفی الغماری، محمد عبدالله الزوی و عبدالله فرکاس از دیگر مشایخ آن بودند.

شیخ ابراهیم الغماری عهده‌دار اداره زاویه طائف بود و پس از مرگ وی، شیخ حامد بن محمد خیره مدیریت زاویه را بر عهده گرفت و تا زمان مرگ سنوسی به تولیت خود ادامه داد. سپس محمد المهدی او را به عنوان مسئول زاویه ابوقیس منصوب کرد و تا زمان مرگ (۱۳۰۳ق/ ۱۸۸۶م) در سمت خود باقی ماند و سپس پسرش، محمد، جانشین وی شد. محمد بن حامد، معروف به محمد السنوسی، در توسعه زاویه‌های سینوس در حجاز تلاش زیادی کرد و تعداد موقوفات زاویه‌ها را در جده، مکه و طائف افزایش داد. عبدالملک الرسی السنوسی نیز ریاست زاویه طائف را بر عهده داشت. (غازی، ۲۰۰۹م، ج ۶، صص ۴۲۲ و ۴۸۵-۴۸۶)

واضح است که زاویه‌های سنوسی، سازمان‌یافته و منسجم و دارای یک مرکزیت و رهبری مستقل بوده و این ساختار و نحوه سازمانی، نشان‌دهنده اندیشه و توانی است که از زمانه خود بسیار جلوتر بوده است.

قابل توجه است که زاویه‌های سنوسیه در حجاز از جایگاه ممتازی میان حجازی‌ها برخوردار بودند و قدردانی آنها از سنوسی، حتی پس از مرگ وی نیز ادامه داشت. حجازی‌ها مقید بودند در مراسم سالانه‌ای که زاویه ابی قبیس برای بزرگداشت مرگ بنیانگذار سنوسیه در شب دوازدهم ماه رجب برگزار می‌کرد، شرکت کنند. مراسم با قرائت اذکار و خواندن شرح حال پیر سنوسیه شروع می‌شد و صبح‌هنگام با قربانی کردن گوسفند برای حاضران، ضیافت برگزار می‌کردند. این احترام و تکریم در حجازی‌ها تا دهه‌های بعدی ادامه داشته است. (هورخرونیه، ۱۹۹۹م، ج ۲، ص ۳۷۴-۳۷۵)

سنوسیه در حجاز به رشد و شکوفایی رسید و مریدان آن - حتی در آغاز قرن چهاردهم هجری / اواخر قرن نوزدهم میلادی - به طور مداوم افزایش یافتند و عده زیادی در مکه و اطراف به آن ملحق شدند (صادق پاشا، ۱۹۹۹م، ص ۱۸۰)

از مشهورترین افرادی که در زوایای سنوسی حجاز پرورش یافت، شیخ فالح الظاهری است که بعداً به یکی از مشهورترین شیوخ حجازی سنوسیه تبدیل شد.

چهارم: شیخ فالح الظاهری (نمونه) از تعلیم‌دیدگان زوایای سنوسیه در حجاز

۱. نسب و خاندان

زوایای سنوسیه در حجاز جماعتی از طلاب را آموزش داد که از مشهورترین آنها می‌توان به عالم محدث شیخ فالح بن محمد بن عبدالله بن فالح بن عبدالله الظاهری، ملقب به ابی النجاة و ابی الیسر، اشاره کرد. وی از مردم بادیه‌نشین قبیله الظواهر (شاخه ای از قبیله حرب) در حجاز است. (م. الظاهری،^۱ مصاحبه شخصی، صفر ۱۴۳۹ق.). ایشان در وادی الصفرا به تاریخ هفتم ماه رجب ۱۲۵۸ق / ۱۸۴۲م متولد شد. (همان)

پدرش قبلاً در بازارهای مدینه، اجناس تهیه شده در بادیه - مانند روغن، زغال، پوست و... - می‌فروخت و به تقوا و درستکاری معروف بود. وی همواره به تلاوت قرآن کریم مشغول بود و مشتاق یادگیری علوم شرعی توسط فرزندش بود. به محض

۱. ماجده بنت ابراهیم علی فالح الظاهری از نوادگان شیخ فالح الظاهری است.

اینکه فالح به سن تحصیل رسید، پدرش او را به زاویه سنوسی در شهر رابغ برد که نزدیک محل سکونت آنها بود. (کتانی، ۱۹۸۲م، ج ۲، ص ۸۹۵)

شیخ فالح الظاهری در آن زاویه مشغول به حفظ قرآن و متون دیگر شد و مبادی و مقدمات بعضی از علوم را آموخت و دانش خود را افزایش داد. وی سال ۱۲۶۸ قمری / ۱۸۵۲ میلادی به مدینه نقل مکان کرد و به حلقه‌های علمی در مسجدالنبی پیوست و از علمای برجسته مدینه بهره‌مند شد. الظاهری در مدینه با استاد خود، امام محمد بن علی السنوسی، ملاقات کرد.^۱ سنوسی به هوش و ذکاوت و نجابت وی پی برد و او را در کنار خود نگه داشت. الظاهری از آن زمان به مدت هفت سال ملازم و همراه استادش بود؛ چنان که سه مرتبه همراه وی حج گزارد، در محضر او علوم عقلیه و نقلیه را آموخت و کتب الموطاء مالک و صحاح سته و کتب حدیثی را استماع کرد. الظاهری از صوت خوشی برخوردار بود؛ از این رو سنوسی از او با اصرار دعوت می‌کرد در محافل و حلقات شرکت کند و نوای زیبایی وی را در خواندن تحسین می‌کرد. چنانچه الظاهری در یک جلسه درس غیت می‌کرد، جویای احوال وی از دیگران می‌شد و کسی را نزد پدرش می‌فرستاد تا علت غیبتش را پرسد. (ظاهری، ۱۴۰۸ق، ص ۷۶)

سنوسی همواره شاگردش را تکریم می‌کرد و به او «عرقچین» بخشید و امر کرد که به طلاب قرآن بیاموزد. سنوسی اغلب او را در مجالس ستایش، و محبت خود را به او میان مریدان اظهار، و او را فرزند و عزیز خود خطاب می‌کرد و این چنین بیان می‌داشت: «ولدی ولدی ولدی، عزیز علی». (انصاری، ۱۹۶۱، ص ۳۹۱-۳۹۳)

شیخ ظاهری نزد برجسته‌ترین علمای زمان دانش آموخت؛ و از جمله: شیخ عمر الیاضلی، شیخ محمد الطاهر الغاثی و شیخ ابی‌الحلم عبدالرحیم بن احمد الزموری البرقی که نزد شخص اخیر، شعر و بلاغت فراگرفت. همچنین نزد استاد ابی‌علی العدوی الحمزاوی و شیخ عبدالغنی الدهلوی صاحب الیانع الجنی و شیخ عبدالرحمن الاهدل

۱. صلابی ذکر می‌کند که الظاهری سال ۱۲۴۳ در مکه با سنوسی ملاقات کرده است؛ اما تاریخ صحیح آن را خود شیخ ظاهری در مقدمه کتاب المنهل العذب آورده است. (انصاری، ۱۹۶۱م، ص ۳۹۱)

الیمنی به تحصیل علوم پرداخت و از جانب ایشان اجازات عامه در علوم مختلف گرفت و متبحر شد و صلاحیت تدریس در مسجدالنبی را کسب کرد. (ظاهری، ۱۴۰۸ق، ص ۷۲-۷۳)

الظاهری چندین بار به مصر سفر کرد که اولین بار آن سال ۱۲۷۱قمری / ۱۸۵۴ میلادی بود. در مصر، نزد تعداد زیادی از علما به کسب علوم مختلف پرداخت و از ایشان اجازه دریافت کرد. از اساتید وی می توان به شیخ علیش، شیخ ابوعلی الحسن العدوی، محمد الشریف الدمیاتی و... اشاره کرد. سفرهای او به مصر ادامه داشت تا اینکه آخرین مورد آن سال ۱۳۱۳قمری / ۱۸۹۵ میلادی بود. (همان)

۲. مقام علمی الظاهری

الظاهری نزد دانشمندان و علمای برجسته تحصیل کرد و دانش فراوانی به دست آورد و از آنها اجازات عامه گرفت و عالم مشهور متبحری در علم الحدیث، فقه، معانی الآثار و... شد. وی بهره وافری از علوم ادبی و لغوی داشت؛ به نحوی که نویسندگان تراجم، او را با عنوان «المحدث الحافظ الفقیه الاصولی اللغوی» توصیف می کردند. معاصرانش وی را با القابی مانند شیخ المشایخ، حجة عصره، السند الحافظ الثقة المنطوق، صاحب الید الطولی فی العلوم و الفنون توصیف کرده اند. شیخ الظاهری، به حق، شایسته لقب «عالم المدینه و محدثها و مسندها...» است. (کتانی، ۱۹۸۲م، ج ۲، ص ۸۹۵)

شیخ الظاهری، شاعر نیز بود و در رأس شاعران سنوسی قرار داشت و حتی به عنوان پیشوای آنان در عرصه شعر شناخته شده بود. وی به عنوان شاعری بلندمرتبه مطرح بود که شعر وی به سبب نیکویی سخن و استواری کلام متمایز بود. او دیباچه هایی داشت که از لحاظ فنون بلاغت - مانند ترصیع، تجنیس و توریه - برجسته بود؛ به نحوی که با عنوان «امام البلاغه» توصیف شده است. الظاهری تحت تأثیر شعرای گذشته بود. کم شعر می گفت و بیشتر آنچه او نوشته، از دست رفته است. چند نمونه از اشعار وی در برخی از کتابها موجود است که شامل قصیده های مدح، رثا و... است؛ برای نمونه قصیده «حریم الغرام» (حاجری، ۱۹۸۳م، ص ۳۰۷-۳۰۹) اینجا آورده شده است:

قد بات دمعك فى الآماق منضودا من شادن خالف الإعلان موعودا
 يسامر النجم ما تمضى أجنته ويمتري أن يكون الغمض موجودا
 وللغرام حريق فى جوانحه أعياء العواذل إخفاء وتخميذا
 ما للصبابه أمست لا تفارقه والشوق عن غيره قد بات مطرودا
 همچنين:

نشدتك الله يا من لست أذكره إلا وظلت بنار الشوق موقودا
 إلا تعمدت وصى إن وصلك لى سرى يجارى فواداً فيك معموداً
 ان زرت أحيت نفساً حرةً أتخذت محمداً شافعاً والله معبوداً

هنگامی که سنوسی در پی آخرین سفر خود از حجاز خارج شد، الظاهری او را در سفر به سیرنائیکا همراهی کرد و از سال ۱۲۷۱ قمری / ۱۸۵۴ میلادی در آنجا اقامت داشت. در همان دوران، در سال ۱۲۷۳ قمری / ۱۸۵۶ میلادی، زاویه جغوب ساخته شد. وی از اولین کسانی بود که در آن زاویه تدریس را آغاز کرد. این زاویه به اولین مقرر سنوسیه در لیبی تبدیل شد. (حاجری، ۱۹۸۳م، ص ۳۰۹)

شیخ فالح الظاهری در زاویه جغوب با دختر استادش، سنوسی، ازدواج کرد و صاحب دو فرزند به نام‌های علی و حفصه شد که در واحه جغوب متولد شدند. دختر دیگر سنوسی با پدر عمر مختار ازدواج کرد. (م. الظاهری، مصاحبه شخصی، صفر ۱۴۳۹ق). شیخ فالح در واحه جغوب برای تعداد زیادی از شاگردان تدریس کرد. از جمله مشهورترین شاگردانی که به این زاویه پیوستند، عمر مختار بود که به مدت هشت سال نزد وی تحصیل کرد. (حاجری، ۱۹۸۳م، ص ۳۰۹).

بیشتر منابع مشخص نکرده‌اند که الظاهری چه مدت در جغوب اقامت داشته؛ هرچند اشاره شده که وی مدت طولانی در آنجا بوده است. الظاهری می‌گوید من در دوره جوانی، مدتی را در طرابلس غرب^۱ گذراندم. ما متوجه شدیم که الحاجری تنها کسی است که در کتاب خود بیان کرده الظاهری مدت چهل سال در آنجا سکونت

۱. منطقه ساحلی در لیبی کنونی که بین سال‌های ۱۵۵۱ تا ۱۹۱۱ توسط امپراتوری عثمانی اداره می‌شد.

داشته است؛ (همان) به عبارت دیگر وی از سال ۱۲۷۱ قمری / ۱۸۵۴ میلادی تا ۱۳۰۹ قمری / ۱۸۹۱ میلادی در طرابلس غرب اقامت داشته است؛ زیرا سلطان عبدالحمید سال ۱۳۰۹ قمری / ۱۸۹۱ میلادی از وی برای تدریس در استانبول دعوت کرد. بنابراین به طور تقریبی متوجه می شویم که شیخ به همان اندازه در طرابلس اقامت داشته و وقتی به استانبول رفته، مقیم لیبی بوده است؛ نه حجاز.

همان طور که گذشت، شیخ فالح الظاهری در زمان خود فخر علم و دانش بود و شهرت وی تا زمان احضار سلطان عبدالحمید عثمانی به استانبول در سال ۱۳۰۹ قمری / ۱۸۹۱ میلادی در بلاد اسلامی گسترش یافته بود. به دستور سلطان، مدرسی را در کاخ سلطنتی معین کردند تا در آنجا به قرائت حدیث شریف نبوی پردازد. شیخ حدود شش سال در استانبول ماند و در این مدت با تعدادی از دانشمندان و علما ملاقات کرد. از مشهورترین آنها مورخی به نام احمد النواب الانصاری الطرابلسی بود که نویسنده کتاب المنهل العذب فی تاریخ طرابلس الغرب است. وی از شیخ الظاهری درخواست کرد که برای کتابش مقدمه‌ای بنویسد. همچنین شیخ با محمد بشیر ظافر المدنی مورخ و صاحب کتاب البواقیت الثمینیة فی أعیان مذهب عالم المدینة دیدار داشت. (مصراتی، ۲۰۰۲م، ص ۲۸۱-۲۸۳)

شیخ ظاهری نمی خواست برای مدت طولانی در استانبول بماند؛ زیرا به تجملات و زندگی در کاخ رغبتی نداشت؛ بلکه به زندگی آزاد در بادیه تمایل داشت. مشتاق و دلتنگ حجاز شده بود؛ زیرا مدت‌ها از آنجا دور بود. بنابراین از مفتی درخواست کرد که نزد سلطان واسطه شود و از او بخواهد که این منصب را واگذار کند و اجازه دهد که به مدینه منوره بازگردد. سلطان با درخواست وی موافقت کرد و او را سال ۱۳۱۴ قمری / ۱۸۹۶ میلادی به همراه فرمان سلطنتی به مدینه بازگرداند. فرمان داده شده بود که وی در مسجدالنبی به تعلیم حدیث نبوی مشغول شود. حقوق و همچنین سالیانه مقداری گندم برای وی مقرر کرد. (صلابی، ۱۹۹۹م، ص ۹۶)

هنگامی که وی به مدینه بازگشت، مردم مدینه با گرمی از او استقبال کردند. شیخ عبدالجلیل براده با حضور تعدادی از علمای مدینه و افراد برجسته، مراسم استقبال از وی را برگزار، و با اشعاری از او تجلیل کردند: (کتبی، ۱۴۳۷ق، ص ۴۴۸-۴۴۶)

یوم لطیبه من ایام ماضیها لما حدا بورود البشر حادیها
 قد فوه السعد و الاقبال مرتجلا بعوده العالم التحریر تنویها
 قدوم یمن علی دارالرسول بدا بفالح الظاهری الفذ یرضها

شیخ ظاهری پس از اقامت در مدینه، به تدریس در مسجدالنبی پرداخت و علما و طلاب گرد او جمع شدند و از علم و ادب او بهره بردند؛ به نحوی که حلقه درسی او از بزرگ‌ترین جلسات درسی مسجدالنبی شد و طلاب از شرق و غرب عالم اسلامی حول او جمع شدند. از شاگردان او می‌توان به شیخ ابراهیم بری، شیخ زکی برزنجی، شیخ خلیفه بن حمد النبھانی، شیخ محمد عبدالباقی الکنوی، شیخ عبدالحی الکتانی، محمد جعفر الکتانی و شیخ عبدالحفیظ فارسی و... (ظاهری، ۱۴۰۸ق، ص ۸۲) اشاره کرد.

شیخ در مدینه منوره، با مریم بنت عبدالرحمان البوسعدی - که الجزائری و مقیم مدینه بود - ازدواج کرد و از او صاحب فرزندی به نام بکر^۱ شد. فرزند بزرگ او، علی^۲، با فاطمه البوسعدی، خواهر همسرش، ازدواج کرد.^۳

شیخ ظاهری ارتباطش را با برادران سنوسی در لیبی حفظ کرد و برای آنها قصیده‌هایی با مضمون دلتنگی و آرزوی دیدار می‌فرستاد. قصیده «سری طیفکم» یکی از آنهاست که مطلعش چنین است: (حاجری، ۱۹۸۳م، ص ۳۰۹)

سری طیفکم لیلا فما تاه فی المسری علی بعد ما بین الجغایب و الحمرا

۱. بکر بن فالح در سن شانزده سالگی از حجاز خارج شد. بعضی گفته‌اند که به مصر، و بعضی دیگر گفته‌اند که به مراکش رفته است.

۲. علی بن فالح الظاهری یکی از مشهورترین دانشمندان زمان خود بود. و پدرش علاقه‌مند به آموزش و تعلیم علوم شرعی به او و حفظ قرآن کریم بود. وی به استنساخ بعضی کتب علمای بزرگ حرمین اقدام کرد و سال ۱۳۶۴ قمری در مکه مکرمه درگذشت. (م. الظاهری، مصاحبه شخصی، صفر ۱۴۳۹ق.)

۳. فاطمه البوسعدی پسری به نام محمد و شش دختر به دنیا آورد. علی پس از مرگ او با منی، دختر مهنا الظاهری، ازدواج کرد و از او صاحب پسری به نام ابراهیم و دو دختر شد. (م. الظاهری، مصاحبه شخصی، صفر، ۱۴۳۹ق.)

شیخ فالح، مدتی پس از بازگشت از استانبول، به هند سفر کرد و آنجا مشغول تدریس شد. وی در نامه‌ای که برای دوست خود، شیخ احمد الریفی، ارسال کرده، چنین گفته است:

بعد از بازگشت از بلاد روم، آن‌چنان غرق در مطالعه و آموختن شدم که در اثر نشستن طولانی مدت. اعضای بدنم دچار مشکل شد؛ اما خدا را شکر که تبلیغ علم برای اهلش حاصل شد... و کشوری باقی نماند جز اینکه از جانب من دفتری از شیخ و استادمان ارسال شد. این نهایت آرزویم بود که آوازه شیخ ما به خاور و باختر حتی به هند و سند رسید. (صلابی، ۲۰۰۱م، ص ۷۶-۷۷).

محقق از تأمل در این متن، نشانه صریحی پیدا نمی‌کند که شیخ خودش به هند سفر کرده باشد. بنابراین احتمالاً مقصود، انتقال عقاید و افکار شیخ به هند است.

شیخ فالح الظاهری تعدادی تألیف و تصنیف داشته که گواهی بر میزان علم و دانش وی در زمینه تعلیم و تألیف است؛ از جمله: حواشی صحیح البخاری و موطأ مالک در چند مجلد، منظومه فی مصطلح الحدیث، حسن الوفا لآخوان الصفا، صحائف العامل بالشرع الكامل و کتاب أنجح المساعی فی الجمع بین صفتی السامع والواعی شمیم البارق من دیم المهارق و تعلیقات بر المنهل العذب فی تاریخ طرابلس الغرب (فاسی، ۲۰۰۳م، ص ۲۳۴)

۳. وفات

شیخ فالح الظاهری در طول زندگی خود، تنها مشغول یادگیری علم بود. وی فردی خوش فکر، پاک‌نفس، بلندهمت، فروتن، عاشق شاگردان و طلاب، و همواره مشغول عبادت و تلاوت قرآن کریم بود. عمری سرشار از کوشش و پشتکار را در راه خدمت به علم و دین گذراند تا اینکه در ماه شوال سال ۱۳۲۸ قمری / ۱۹۱۰ میلادی در مدینه و در سن هفتاد سالگی از دنیا رفت و در قبرستان بقیع به خاک سپرده شد. (زرکلی، ۱۹۹۹م، ج ۶، ص ۳۲۶)

جنبش سنوسی در نتیجه اقتضائات و شرایط جهان اسلام در آن دوران به وجود آمد و بدین وسیله در تاریخ اسلام به عنوان یکی از اصلی‌ترین جنبش‌های تأثیرگذار شناخته، و با توجه به قابلیت‌های موجود - که مطابق با امکانات آن دوران بود - در ساختن یک جامعه انسانی که دارای مؤلفه‌های فرهنگی و اقتصادی بود، سهمیم شد.

سنوسیه یک جنبش محلی و محدود نبود؛ بلکه بنیانگذار آن، محمد بن علی السنوسی، آن را به یک جنبش عربی با نفوذ گسترده تبدیل کرد که بر جنبش‌های اسلامی در کشورهای مختلف تأثیر گذاشت.

این مطالعه سعی داشت برهه مهمی از تاریخ جنبش سنوسی را در حجاز بررسی، و نقش و تأثیر آن را در جامعه حجازی آشکار کند.

* یکی از مهم‌ترین مبانی فکری که جنبش سنوسی بر آن تکیه می‌کند، ویژگی جامع بودن آن است؛ به این معنا که این جنبشی یکپارچه است که به اصلاحات کلی در سطح دینی، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی اهتمام دارد و در عین حال دارای ویژگی‌های فراگیر و عام برای همه مسلمانان است و دامنه‌گفتمان آن محدود نیست. امام محمد بن علی السنوسی گسترش این جنبش را در همه کشورهای اسلامی ضروری می‌دانست.

* جنبش سنوسی نه تنها یک جنبش مذهبی، بلکه یک حرکت سیاسی، فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی با تأثیرات گسترده بود.

* سیاست عدم مقابله با روندها و جریان‌های اسلامی و پرهیز از مجادلات فقهی و اعتقادی با مخالفان، از ویژگی‌های جنبش سنوسی است. سنوسی سعی داشت از درگیری و تعارض با علمای مصر و حجاز جلوگیری کند؛ چرا که این امر به گسترش جنبش کمک می‌کرد.

* سنوسی مشتاق بود دعوت خود را در سراسر جهان اسلام انتشار دهد. بنابراین او به ایجاد زوایه‌های سنوسی در مناطق مختلف حجاز، مصر، مغرب عربی، سودان و دیگر مناطق آفریقایی اقدام. و مریدان خود را به گسترش و شمولیت و عدم محدودیت مکانی توصیه کرد.

* سنوسی توانست مفهوم زاویه را توسعه دهد؛ به گونه‌ای که از نظر شکل و محتوا متفاوت باشد. بنابراین زوایای سنوسیه به نظامی اجتماعی تبدیل شد که دارای اقتدار سیاسی و قوانین است و توسط یک رهبر هدایت می‌شود که وظایفی دارد و از حقوقی برخوردار است. همچنین زاویه‌های سنوسیه برای ساکنانش خدمات فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی ارائه می‌کرده است.

* سرزمین حجاز به دلیل اهمیت مذهبی، از موقعیت برجسته‌ای در تاریخ جنبش سنوسی برخوردار بود. در واقع دعوت سنوسیه از حجاز شروع، و در آنجا اولین زاویه سنوسیه در کوه ابوقیس بنا نهاده شد. پس از آن، زوایای دیگر سنوسیه در حجاز و دیگر کشورهای اسلامی ساخته شد.

* زاویه‌های سنوسیه در حجاز مورد استقبال گسترده ساکنان شهرها و بادیه قرار گرفت و عده کثیری از افراد قبائل حجازی - که در رأس آنها قبیله حرب بود - در آنجا حاضر شدند.

* زاویه‌های سنوسی در حجاز در معرض هیچ ممانعت سیاسی نبودند؛ بلکه مورد قبول و حمایت شرفای مکه بودند و آنان نیز در ایجاد زاویه‌های سنوسیه در بسیاری از روستاها و شهرهای حجاز سهیم بودند.

* جنبش سنوسیه نقش آشکاری در تاریخ منطقه حجاز داشت؛ زیرا سعی در پیشرفت حجازی‌ها و گسترش تعلیمات دینی به صورت ویژه بین قبایل داشت و هدف آن صرفاً دینی و مذهبی نبود. سنوسی‌ها به آموزش خواندن، نوشتن و حساب و... اقدام، و از سویی افراد را به کار و آموزش حرفه و پیشه تشویق می‌کردند. این امر به ثبات اقتصادی و اجتماعی آنها کمک می‌کرد؛ از این رو زاویه‌های سنوسیه به مراکزی برای دانش و کار تبدیل شد.

* شیخ فالح الظاهری، یکی از برجسته‌ترین شاگردان زوایای سنوسیه است که بعداً یکی از برجسته‌ترین شیوخ آن شد و شهرت او در آفاق پیچید. او دارای موقعیت علمی برجسته‌ای بود که وی را قادر ساخت در بسیاری از مناطق اسلامی به تدریس مشغول گردد؛ به گونه‌ای که سلطان عبدالحمید، وی را برای تدریس به استانبول فراخواند و تعدادی از طلاب و دانشجویان که از پرچمداران علم در جهان اسلام شدند، نزد وی دانش آموختند.

١. ارسلان، شكيب (١٩٧٣م.)، حاضر العالم الإسلامي، بيروت، دارالفكر.
٢. انصاري، احمد بك (١٩٦١م.)، المنهل العذب في تاريخ طرابلس الغرب، ليبيا، مكتبة الفرجاني.
٣. بريتشارد، ايفانز (١٩٤٨م.)، سنوسيو برقه، ترجمه عمر الديراوى أبو حجلة، ليبيا، مكتبة الفرجاني.
٤. بستاني، فواد (١٩٦٩م.)، دائرة المعارف، بيروت.
٥. جارشلى، اسماعيل حقى (٢٠٠٣م.)، أشرف مكة وأمراؤها في العهد العثماني، بيروت، الدار العربية للموسوعات.
٦. جمشيدنژاد اول، غلامرضا (١٣٨٧)، «تلمسان»، دائرة المعارف بزرگ اسلامى، تهران، مركز دائرة المعارف بزرگ اسلامى.
٧. حاجرى، محمده (١٩٨٣م.)، دراسات و صور من تاريخ الحياة الادبية فى المغرب العربى، بيروت، دار النهضة العربية.
٨. حبيب، هنرى (١٩٨١م.)، ليبيا بين الماضى والحاضر، ترجمه شاكرا إبراهيم، ليبيا، المنشأة الشعبية للنشر والتوزيع والمطابع.
٩. دجاني، أحمد صدقي (١٩٦٧م.)، الحركة السنوسية نشأتها ونموها فى القرن العشرين، بيروت، دار لبنان.
١٠. رفعت باشا، إبراهيم (١٩٢٥م.)، مرآة الحرمين أو الرحلات الحجازية والحج ومشاعره الدينيه، قاهره، مطبعة دار الكتب المصرى.
١١. ستودارد، لوثر (١٩٧٢م.)، حاضر العالم الإسلامى، بيروت، دارالفكر.
١٢. سجادى، صادق (١٣٦٩)، «آل ادريس»، دائرة المعارف بزرگ اسلامى، تهران، مركز دائرة المعارف بزرگ اسلامى.
١٣. سنوسى، محمد بن على (الف) (١٩٦٨م.)، إيقاظ الوسنان فى العمل بالحديث والقرآن، المجموعة المختارة لمؤلفات الأستاذ الأعظم محمد بن على السنوسى، ليبيا، وزارة الأعلام والثقافة.
١٤. سنوسى، محمد بن على (ب) (١٩٦٨م.)، الدرر السنوية فى اخبار السلالة الادريسيه، ليبيا، وزارة الأعلام والثقافة.

١٥. سنوسى، محمد بن على (ج) (١٩٦٨م.)، شفاء الصدر بأرى العشر، ليبيا، وزارة الإعلام والثقافة.
١٦. شريف، ناصر الدين (١٩٩٩م.)، الجواهر الإكليلية فى أعيان علماء ليبيا من المالكية، الأردن، دارالبيارق.
١٧. شكرى، محمد فؤاد (٢٠٠٥م.)، السنوسيه دين و دوله، اكسفورد، مركز الدراسات الليبيه.
١٨. صادق پاشا، محمد (١٩٩٩م.)، الرحلات الحجازيه، بيروت، بدر للنشر و التوزيع.
١٩. صباغ، محمود عبدالغنى وآخرون (٢٠١١م.)، التصوف فى السعوديه و الخليج، ديبى، مركز المسبار للدراسات والبحوث، چاپ دوم.
٢٠. صلابى، على محمد (٢٠٠١م.)، الثمار الزكية للحركة السنوسية فى ليبيا، الإمارات، مكتبة الصحابة الشارقة، قاهره، مكتبة التابعين.
٢١. صلابى، على محمد (١٩٩٩م.)، الحركة السنوسية فى ليبيا، اردن، دارالبيارق.
٢٢. ظاهرى، محمد فالج (١٤٠٨ق.)، حسن الوفا لآخوان الصفاء، بيروت، دارالبشائر الاسلاميه.
٢٣. عبدالعزيز، صلاح (٢٠٠٧م.)، مختصر الفوائد الجلية فى تاريخ العائلة السنوسية الحاكمة فى ليبيا).
٢٤. عجم، رفيق (١٩٩٩م.)، موسوعة المصطلحات التصوف الاسلامى، بيروت، مكتبه لبنان ناشرون.
٢٥. غازى، عبدالله (٢٠٠٩م.)، إفادة الأنام بذكر أخبار بلد الله الحرام، تحقيق عبدالملك، دهيش، مكة المكرمة، مكتبة الاسدى.
٢٦. فاسى، عبدالحفيظ محمد الطاهر (٢٠٠٣م.)، معجم الشيوخ المسمى رياض الجنة او المدهش المطرب، بيروت، دارالكتب العلميه.
٢٧. كتانى، عبدالحى بن عبدالكبير (١٩٨٢م.)، فهرس الفهارس والأثبات ومعجم المعاجم والمشیخات والمسلسلات، بيروت، دارالغرب الإسلامى.
٢٨. كتبى، انس يعقوب (١٤٣٧ق.)، اعلام من ارض النبوة، المدينة المنورة، الخزانة الكتبية الحسنية الخاصة.
٢٩. اللجنة العليا لإحياء الذكرى المئوية لوفاة المصلح الكبير الإمام السيد محمد بن على السنوسى «الإمام محمد بن على السنوسى فى ذكره المئوية» (١٩٥٦م.)، طرابلس الغرب، المطبعة الحكومية.

٣٠. مصراتى، على مصطفى (٢٠٠٢م.)، مؤرخون من ليبيا مؤلفاتهم ومناهجهم، ليبيا، الدار الجماهيرية، چاپ دوم.
٣١. ناصرى، أحمد بن خالد (١٩٥٦م.)، الاستقصا لأخبار دول المغرب الأقصى (الدولة العلوية)، تحقيق ولدى المؤلف: جعفر ومحمد الناصرى، الدار البيضاء، دارالكتاب.
٣٢. ناصرى، مسلم (١٣٩٢)، «ابوقبيس»، دانشنامه حج و حرمين شريفين، تهران، مؤسسه فرهنگى و هنرى مشعر.
٣٣. هورخرونيه، سنوك (١٩٩٩م.)، صفحات من تاريخ مكة المكرمة، ترجمه على عوده، رياض، داره الملك عبدالعزيز.
٣٤. يوسفى اشكورى، حسن (١٣٧٠)، «ابن ادريس»، دائرة المعارف بزرگ اسلامى، تهران، مركز دائرة المعارف بزرگ اسلامى.

